

اقترباسیونال

کارگران جهان متحد شوید!

۲۸

دیباغ
۸ صحنه

اسفند ۱۳۷۷
March 1999

شادباش سال نو
با آرزوی شادی و آزادی

دیدار و گفتگو با رهبران حزب کمونیست کارگری صفحه ۸	اسلام و اسلام زدایی مصاحبه با منصور حکمت صفحه ۵	از گوریچف تا گاندی صفحه ۶	زنان آزادیخواه حجابشان را بدور میاندازند صفحه ۳	موج بلند اعتراض در شهرهای کردستان صفحه ۶
--	--	---------------------------------	--	--

در آکسیونهای ۸ مارس

رژیم اسلامی بخاطر سرکوب زنان محکوم شد

صفحه ۷

دستمزدها باید حداقل ۱۰ برابر شود! جمهوری اسلامی بار دیگر حداقل دستمزدها را کاهش داد!

مقابل ما آسیب پذیر. باید صفوف خود را متشکل کرد، باید تشکلهای کنونی را وسعت داد. باید به مقابله با جمهوری اسلامی رفت.

کارگران نفت، برق، آب و صنایع کلیدی!
شما میتوانید پشت جمهوری اسلامی را بشکنید. همه کارگران، ملیونها انسان این جامعه که در آرزوی رهایی از نکت حکومت اسلامی روز شماری میکنند چشم به شما دوختهاند. دنیا چشم به شما دوخته است. باید به جمهوری اسلامی فحمانه که این تعرض بیجواب بخواند ماند.

حزب کمونیست کارگری ایران
کمیته داخل
۲۹ اسفند ۱۳۷۷
۲۰ مارس ۹۹

خانواده کارگری دستکم محتاج دستمزدی ده برابر آنچه است که جمهوری اسلامی اعلام کرده است.

کارگران!
این تعرض جمهوری اسلامی نباید بی پاسخ بماند. البته نخواهد ماند. برای دفاع از معیشت خانواده و فرزندان مان راهی جز مقاومت متشکل وجود ندارد. وضعیت طبقه کارگر و انسانهای شریف و زحمتکش نه مساله خاتمی است و نه دار و دسته جمهوری مدنی اسلامی او. جمهوری مدنی همین جمهوری اسلامی است و همان "رحمات الهی" را نصیب کارگران خواهد کرد. اما جمهوری اسلامی در سرانگیختگی سقراط است و بیش از همیشه در مقابل تعرض حداقل معیشت برای زندگی

جمهوری اسلامی اعلام کرد که حداقل دستمزد کارگران ۲۰ درصد افزایش خواهد یافت. بدین ترتیب حداقل دستمزد به هزار و دویست و شش تومان (پیزی معادل یک دلار!) در روز میرسد. با توجه به نرخ تورم چند صد درصدی در ایران این چیزی جز کاهش عظیم در دستمزد واقعی کارگران نیست. این تعرض رسمی جمهوری مدنی آقای خاتمی و شرکای و عمامه و بی عمامه دولت خاتمی هزینه دم دستگاره عریض و طویل مذهبی انتظامی، هزینه جمهوری و شکنجه و سرکوب و نیروهای خانواده کارگری میدزدد. حتی با آمارهای خود رژیم تامین حداقل معیشت برای زندگی

علیه فقر تحمیلی بر کارگران در ایران اعتراض کنید!
*** دستمزدهای موقف باید فوراً پرداخت گردند!**
*** حداقل دستمزد باید توسط نمایندگان واقعی کارگران تعیین شود!**
*** آزادی می‌باید و شرط تشکل و بیان فوراً باید متحقق گردد!**
صفحه ۳

مصاحبه با کورش مدرسی درباره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا
مردم نه طرفدار خاتمی هستند و نه طرفدار جامعه مدنی او و قانونمداری قوانین اسلامی. مردم علیه کل جمهوری اسلامی هستند. از حکومت سپاه اسلام به جان آمدند و از هر امکانی برای باز کردن شکاف در میان صفوف دشمنان خود استفاده میکنند.
صفحه ۲

اتحادیه کارگران صنعت نفت ایتالیا سفر خاتمی را محکوم کرد.
در چندین کشور اروپا، در آمریکا، کانادا و استرالیا برگزار شد:
تظاهرات اعتراضی حزب کمونیست کارگری علیه سفر خاتمی
صفحه ۷

اطلاعیه های دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد دستگیری و استرداد عبدالله اوجلان به ترکیه
صفحه ۸
مصاحبه با آذر ماجدی درباره نشریه مدوسا
صفحه ۳

فاتح شیخ الاسلامی
توحش اسلامی یک طرف دیالوگ تمدن ها
درحاشیه دعوت دولتی اروپائی از خاتمی

حمایت دول غربی از جمهوری اسلامی یک سیاست آگاهانه آنهاست. دالمو، شیراک و شرکا ارزش ویژه ای برای شخصی خاتمی و بدلیع سیاسی اش در عرصه "جامعه مدنی" دیالوگ تمدنها" و دمکراتیزه و لیبرالیزه کردن حکومت اسلام قائل نیستند. اینها الفاظ ساینده زبان سیاست و دیپلماسی اند که سیاستمداران طبقات حاکم، روزمره میان خود رد و بدل می کنند تا زیر آن کیفیت ترین منافعتشان را بپوشانند. پانزده سال پیش، گنشر وزیر خارجه وقت آلمان در توجیه سفر خود به ایران گفت: سران جمهوری اسلامی زبان ویژه خود را دارند، این زبان را باید فهمید. اینها زبان یکدیگر را فهمیده اند و وقتی برای هم سر و دم تکان میدهند، دارند می گویند که در آن لحظه منافعتشان بر هم منطبق است.

دولت ایتالیا از سالها پیش، که خاتمی اسمی هم نبود، نقش پیشکاری اروپا در معامله با جمهوری اسلامی را برای خود برگزیده بود. چند روز پس از حکم دادگاه میکونوس علیه سران جنایتکار این رژیم، سفیر ایتالیا سر از پا نشانی برای رفع کنذوت میان اروپا و رژیم اسلامی به تهران باز گشت. به بهانه روی کار آمدن خاتمی، دولتهای اروپا سریعاً خود را از شر میکونوس و دیالوگ شان را از شر انتقاد خاتمی کردند. رومانو پارودی نخست وزیر پیشین ایتالیا با سفر به تهران و اجرای اولین پرده دیالوگ غیرانتقادی اروپا - جمهوری اسلامی، از آن رژیم توحش ذکتری انتخاری گرفت و دالمو با پذیرفتن خاتمی، این بازی کیف و ارجحی را ادامه داد.

پذیرفتن توحش اسلامی بعنوان یک طرف دیالوگ تمدن ها قبل از هر چیز گند ارتجاع طرفهای دیگر را بیرون میریزد. واقعیت اینست که جمهوری اسلامی به سرانگیخت سقراط افتاده و شیخ انقلاب مردم و بقدرت رسیدن یک رژیم رادیکال سوسیالیستی در ایران مجدداً نیروهای ارتجاع غرب را، از دولتهای ایتالیا و فرانسه و غیره تا پاپ و بی بی سی و سی ان ان، به وحشت انداخته است. در هراس از این شیخ، ارتجاع غرب با ارتجاع اسلامی حاکم بر ایران همدم و همدرد شده و به نجات حکومت اسلام از بحران سیاسی و اقتصادی مهلکی که گلوش را می فشارد کمر بسته است. زیر عبارات جامعه مدنی و انتخابات و دیالوگ تمدن ها و غیره، دولتهای و رسانه های غرب در تلافی شکل دادن به یک آلترناتیو به خیال خود قابل بقا از درون همین رژیم و واداشتن مردم ایران به قبول آن هستند: یک جمهوری اسلامی راه آمده با غرب با سرپایی از نمایشهای سر و دم پریده انتخاباتی در چارچوب همان حکومت و قوانین اسلامی. تعریف و تمجید دالمو از انتخابات شوراهای اسلامی بعنوان یک دستاورد بزرگ خاتمی، ریاکاری نازل یک سیاستمدار نان به نرخ روز خور در همین راستا بود.

اما حرکت دول غربی در قبال جمهوری اسلامی و حرکت مردم ایران علیه این سمبل توحش، در دو جهت کاملاً مخالف سیر میکند. این را تحولات دو سال گذشته نشان داده و ازجمله خیزش مردم کردستان درست در وسط منضحه انتخاباتی رژیم، باز دیگر نشان داد. حرکت آگاهانه طبقه کارگر و توده محروم جامعه در راندن جمهوری اسلامی بسوی پرنگاه، نشان داده که این بار قادر است تلافی غرب برای به صحنه آوردن یک گولادوب دیگر با بازیگری خاتمی و یا هر بازیگر دیگری را ختنی کند و بر دیرانه رژیم توحش اسلامی، آزادی و برابری و حاکمیت مستقیم مردم، و مبنای اجتماعی و فرهنگی شامام مدرن و پیشرویی را بنا کند. در این مبارزه حیاتی، طبیعی ترین متحد استراتژیک کارگران و مردم ایران، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه همین جوامع غربی است که روزمره با دولتهای ارتجاعی و با جوابب گوناگون نظام اجتماعی حاکم بر این جوامع دست و پنجه نرم میکنند. محکوم کردن سفر خاتمی و کمندی اروپا - خاتمی توسط اتحادیه کارگران صنعت نفت ایتالیا - حمایت گرم آن از مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، یک نمونه تازه از این همبستگی برپرتانسیل جهانی است

قرار مصوب کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران درباره ضرورت تشدید مبارزه علیه جریانات و حرکات اسلامی
تشدید مبارزه علیه دولتها و جریانات و کل جنبش ارتجاعی اسلامی در سطح بین المللی تاکید میکند. مبارزه ما برای سرنگونی رژیم اسلامی در ایران بخشی از این تلاش جهانی است. حزب کمونیست کارگری از هیچ تلاشی برای افشاء، متزوی کردن و عقب راندن ارتجاع اسلامی در داخل و خارج ایران دریغ نخواهد کرد و با تمام قوا از اعتراضات و جنبش وسیع ضد اسلامی و سکولار مردم، در همه جا، حمایت میکند. حزب کمونیست کارگری با هرگونه حمایت دولتی در کشورهای مختلف از اسلام و جریانات اسلامی و هر نوع مشروعیت دادن و قانونیت بخشیدن به سنن و تحمیلات اسلامی، نظیر حجاب اسلامی، آموزش پرورش اسلامی، سوسپید به مساجد و گروهها و دستجات اسلامی بشدت مبارزه میکند. حزب کمونیست کارگری همه انساندوستان و مدافعان آزادی و برابری را به مقابله قاطع با ارتجاع اسلامی فرا میخواند.
نوامبر ۱۹۹۸ (آذر ۱۳۷۷)
گفتگو با اصغر کریمی
صفحه ۴

درباره "انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا"

مصاحبه با کورش مدرسی

عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته داخل حزب کمونیست کارگری ایران

کسی نمیتواند مانع آن شود.

میکنند تا کل حکومت را متلاشی کنند. این در انتخابات رئیس جمهوری دیدیم. مردم نه طرفدار خاصی هستند و نه طرفدار جامعه مدنی او. قانونمداری قوانین اسلامی. مردم انصاری، بخش اعظم طیف پراختیایی شرکت نکردند، ولی در مورد اخیر همگی آنها مردم را به شرکت ترغیب کردند. سرچشمه این دوگانگی برخورد

چست؟
کورش مدرسی: اگر یادتان باشد خاتمی به کرات مردم را دعوت به شرکت در انتخابات خبرگان کرد. نفس کتشدن خود و دالت بیشتر خود باز میکنند. عبارت دیگر باز شدن فضای سیاسی در ایران نه محصول خاتمی است و نه تلاشهای طرفداران او. این محصول فشار مردم است. عقب نشاندن وزارت اطلاعات در جریان تروهای اخیر، میزان شرکت مردم در انتخابات خبرگان و همین آمار شرکت در انتخابات در تهران و تظاهرات مردم و حکومت نظامی رژیم در شهرهای کردستان باید به هر کس که ذراتی شرافت حتی آکادمیک داشته باشد نشان داده باشد که مردم قواعد بازی آقای خاتمی را نمیپذیرند. مردم خوارست و قاعده بازی خود را دارند. هدف سرنگونی رژیم است و پس. بنظر من انتخابات اخیر بار دیگر این را نشان داد.

تاثیر این انتخابات بر بحران دورنی رژیم اگر فاکتور مردم را حذف کنید چندان جدی نیست. اما وجود نیروی مردم درگیریهای اینها را تشدید خواهد کرد. این چیزی است که هر دو جناح میگویند از آن پرهیز کنند چون میدانند که هیچکدام نه نماینده مردم هستند و نه کنترلی بر آنها دارند. اولین سبلی که به گوش آخوندی از جناح حاکم بخورد کسی جلوی قلع و قمع کل لشکر آخوند را توسط مردم نمیتواند بگیرد. در نتیجه واکنش هر دو جناح در وهله اول آرام کردن اوضاع دوم خرداد "به این سو، مردم پذیرفتهاند که تحولات سیاسی از مجرای آرام و تدریجی از درون حاکمیت و اول لوله مکانیسم انتخاباتی عبور میکند و جمهوری اسلامی در همین مسیر تبدیل و تثبیت میشود. البته درصد پائین شرکت مردم در انتخابات میاندوره ای و دو

فرصتی یا پتک روی این گوه میکنند تا کل حکومت را متلاشی کنند. این در انتخابات رئیس جمهوری دیدیم. مردم نه طرفدار خاصی هستند و نه طرفدار جامعه مدنی او. قانونمداری قوانین اسلامی. مردم انصاری، بخش اعظم طیف پراختیایی شرکت نکردند، ولی در مورد اخیر همگی آنها مردم را به شرکت ترغیب کردند. سرچشمه این دوگانگی برخورد چست؟
کورش مدرسی: اگر یادتان باشد خاتمی به کرات مردم را دعوت به شرکت در انتخابات خبرگان کرد. نفس کتشدن خود و دالت بیشتر خود باز میکنند. عبارت دیگر باز شدن فضای سیاسی در ایران نه محصول خاتمی است و نه تلاشهای طرفداران او. این محصول فشار مردم است. عقب نشاندن وزارت اطلاعات در جریان تروهای اخیر، میزان شرکت مردم در انتخابات خبرگان و همین آمار شرکت در انتخابات در تهران و تظاهرات مردم و حکومت نظامی رژیم در شهرهای کردستان باید به هر کس که ذراتی شرافت حتی آکادمیک داشته باشد نشان داده باشد که مردم قواعد بازی آقای خاتمی را نمیپذیرند. مردم خوارست و قاعده بازی خود را دارند. هدف سرنگونی رژیم است و پس. بنظر من انتخابات اخیر بار دیگر این را نشان داد.

انترناسیونال: گفته میشود صحنه بعدی زورآزمایی جناحهای رژیم، در انتخابات مجلس اسلامی خواهد بود. این تصویر داده میشود که از دوام خرداد "به این سو، مردم پذیرفتهاند که تحولات سیاسی از مجرای آرام و تدریجی از درون حاکمیت و اول لوله مکانیسم انتخاباتی عبور میکند و جمهوری اسلامی در همین مسیر تبدیل و تثبیت میشود. البته درصد پائین شرکت مردم در انتخابات میاندوره ای و دو

انتخابات خبرگان و شوراهای نشان میدهد که واقعیت عکس این ادعاست. احتمال پیشرفت چنین مسیری در مقایسه با احتمال سرنگونی رژیم اسلامی توسط مردم چقدر است؟
کورش مدرسی: اگر بنظرینم که مردم ایدال جمهوری اسلامی مدنی را پذیرفتهاند و رویاهای خاتمی را باور کردهاند آنوقت باید منتظر دور بعدی بازی دو جناح طبق قاعده این بازی، یعنی بازی دو چهارچوب جمهوری اسلامی، باشیم. آنوقت انتخابات مجلس اسلامی رویارویی بعدی است. اما واقعیت جز این است. مردم کار خودشان را میکنند و مشکلساز یا جمهوری اسلامی در کلین آن و با هر دو جناح است. در نتیجه، بنظر من انتخابات مجلس اسلامی چنین جایگاهی را ندارد. لفظ است که ممکن است مردم بخواهند از آن استفاده کنند یا ارزش آنرا نداشته باشد. اما آنچه بیشتر محتمل است وقوع رویاروییهای دیگری قبل از انتخابات و زیر فشار مردم است. این حکم که مردم تغییر تدریجی رژیم را پذیرفتهاند را باید از مردم تهران و کردستان و از طبقه کارگر در آستانه انفجار پرسید. در قبولاندن این تصویر دیگر حتی بی‌بسی می مشکل دارد. جمهوری اسلامی را با انتخابات نیتیان کنار زد. این تصویر که لشکر چایکتار آخوند، پاسدار، کتجهگر، تروریست و خیل سرمایه‌داران اسلامی فردا پایین میزنند و در مجلس به استراکسیون و طرح سوال از مخالفین جمهوری اسلامی میپردازند شوخی‌تر از آست که کسی را بفریبد.

انترناسیونال: در ارتباط با چشم انداز آتی تحولات عکس در ایران، مکانیسم های دخالتگری حزب و رهمنز حزب در مورد نحوه دخالت فعالین کمونیست و کارگر در این تحولات چگونه است؟
کورش مدرسی: قلعا در این مصاحبه نشود به شرح همه کارهای که باید انجام گیرد پرداخت. ما قبلا به تفصیل در این مورد حرف زدیم. اما بطور خیلی مختصر به چند واقعیت و همچنین جنبه‌های چند دخالت حزب و فعالین کمونیست اشاره میکنم.

پیروزی بر جمهوری اسلامی و تاسمین آزادی و رفاه و خویشی بدون داشتن تصویری روشن از آنچه که باید جانشین جمهوری اسلامی شود ممکن نیست. حزب کمونیست در فعالین کمونیست در این راستا مهمترین نقش را برعهده دارند. مردم را باید به گرد پرچم حرکت آزادی، برابری، تکاملی و خویشی انسانها در یک جامعه مدرن، بدور از دخالت مذهب و سنن پوسیده و بدور از بهره کشی و استثمار، یعنی حکومت سوسیالیستی کارگری مشکل کرد. باید مردم را به گرد خوستا جامعهای که جنبش کمونیستی طبقه کارگر مبشر آست جامعه‌ای را به خواست آگاهانه توده هرچه وسیعتری تبدیل کرد. باید به زنان ایران نشان داد که اگر راه برون رفتی از قید ستم بر زن وجود دارد این راه جز راه ما نیست. باید به جوانان بیجان آمده از تارکیت انیدیشی و تحجر اسلامی نشان داد که تاسمین کننده مدرن ترین و انسانی ترین جامعه، تضمین کننده یک زندگی شاد و پربرابر، نیروی جز طبقه کارگر و جنبش کمونیستی آن نیست. باید نشان داد که خاتمه دهنده به ستم ملی تنها جنبش ما است و اگر کسی واقعا میخواهد به این پدیده ننگین خاتمه دهد باید به برنامه ما پیوندد. انجام چنین کارهایی محتاج دخالت و وسیعتری ابعاد است و طیف وسیعی از وظایف را در مقابل ما قرار میدهد که هرکس میتواند بهتناسب عرصه فعالیت و توانائی های خود در آن شرکت کند که به بعضی از آنها در اینجا اشاره میکنم. اول اینکه، پیروزی در این مبارزه وجود دارد که باید به آنها پرداخت.

متضمن حضور طبقه کارگر آگاه و متشکل است. باید طبقه کارگر را متشکل کرد و این طبقه را در ظرفیت رهبر سیاسی و اجتماعی جامعه به میدان کشید. موقعیت طبقه ما، نقشی که برای خود قائل است و درجه دشمنی آن مهمترین و تعیین کننده ترین عامل است. در نتیجه شرکت در امر متشکل کردن طبقه کارگر، سازماندهی دفاع از معیشت و حقوق کارگر و به میدان آوردن آن در ظرفیت طبقهای که به جامعه و قدرت سیاسی فکر میکنند و برای آن نقش دارد یک کار حیاتی است. ثانیاً این یک مبارزه اجتماعی و سیاسی است. باید در همه عرصه‌های حضور داشت و در آن به رهبر واقعی مبارزات مردم تبدیل شد. این عرصه یک عرصه اجتماعی است و تمام مسائل جامعه را در برمیگیرد. در فرهنگ و هنر گرفته تا فعالیت در جنبش برای رهائی زن. از مبارزه علیه مذهب تا جنبش جوانان و روشنفکران و از جنبش رفع ستم ملی تا جنبش دفاع از آزادی‌های مدنی. همه اینها عرصه‌های رودرویی اجتماعی است که در مقابل ما باز است. باید رهبر کمونیست این حرکات کرد. باید رهبران حرکت کمونیستی را در همه عرصه‌ها در دستگیر کرد. وسیعترین شکل معرفی کرد، شناساندن آنها را به آلتزنیو رهبران جنبشهای دیگر تبدیل کرد. باید برای رفم و بهبود شرایط زندگی فیزیکی و معنوی طبقه کارگر و اصولا همه مردم بیگناهم بود. باید از هر امکانی در کار قانونی، کاری که در تناسب قوای فعلی ممکن است، بهره جست، به آن شکل داد و گسترش دامنه این کار قانونی را به رژیم تحمیل کرد. باید تعداد هرچه بیشتری شکل و تدبیر داد که کمونیستی ایجاد کرد و برد آنها را هرچه وسیعتر کرد.

ثالثاً باید ادبیات کمونیستی بطور کلی و حزب کمونیست کارگری، نظور اخضر را تکثیر و پخش کرد. باید متشکل شد یعنی باید جمع شد و حوزهای حزبی تشکیل داد و با حزب تماس گرفت. باید به حزب کمک مالی کرد و برای آن در سطح محلی و سراسری امکان فراهم کرد. آنچه لازم است به آن توجه کرد این است که در واقعیت زندگی اجتماعی همه این عرصه‌ها بهم پیوسته‌اند. در نتیجه تفکیک اینها صرفاً امری فرمال است. ما هرکدام در زندگی نقشهای متعدد و متفاوتی را برعهده داریم و از مسائل و مشکلات اجتماعی و سیاسی متعددی رنج میبریم. بنابراین یک نفر یا یک جمع در زندگی واقعی میتواند چندین عنوان مدافع تا به آخر برابری کامل زن و مرد در ابعاد وسیعی شناخته شده است و بیشترین تعداد فعالین و رهبران شناخته شده را در مقابل جامعه قرار داد است. اما در مقایسه با آنچه که باید بشود این اول کارهاست و دنیائی از کارهای نکرده وجود دارد که باید به آنها پرداخت.

به حزب کمونیست

کارگری ایران

پیوندید

ISSN 1401-3517

انترناسیونال

Grantee:Behzad Barkhodaie

Supervising Editor: Fateh Shaikholeslami
Executive Manager: Bahman Shafiq
Page Setting: Gholam Akbari
Fax: 1-416 515 6722
Email: wp@iran1.freeseerve.co.uk
Homepage: http://www.wpiran.org

Addresses:

K.A.K	WPI	BM Box 8927	Postfach 104137
Box 29065	Box 719, Stn. P.	London WC1N 3XX	50471 Köln
10052 Stockholm	Toronto, Ont M5S 2Y4	England	Germany
Sweden	Canada		

مستولیت مقالات با نوسندگان آنهاست. درج مقالات در انترناسیونال لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست. تنها مطالبی که بنام انترناسیونال امضاء شده باشند مبین نظر رسمی نشریه هستند. مسئولیت نظرات و سیاست رسمی نشریه تماماً با سردبیر است.

علیه فلاکت تحمیل شده بر کارگران در ایران اعتراض کنید!

فقر زندگی میکنند. اسما نرغ تورم، طبق گفته بانک مرکزی، حدود ۵۲ درصد اعلام کرده است اما نرخ واقعی تورم بیش از ۲۰۰ درصد برآورد میشود. این اما کل تصویر نیست، از کل جمعیت نزدیک به ده میلیون کارگر در ایران تنها ۲ میلیون و چهارصد هزار کارگر مشمول قانون کار هستند. بقیه حتی از این باصطلاح حداقل دستمزد هم برخوردار نیستند.

دولت جمهوری اسلامی میگوید عامل این وضع پایین رفتن قیمت نفت و بحران جهانی است. این یک دروغ بزرگ است. کارگران ثروت تولید می کنند. دولت ثروت تولیدی را خرج گله مفت خور آژوند و طلبه و پاسدار و حزب‌الله میکند. بیش از یک میلیون طلبه و آژوند در حوزه‌های علمی به خرج دولت و نهادهای وابسته به آن مفت میخورند و خزانه و چهل تحویل میدهند. شبکه مساجد و کمیته‌های مختلف و دستگاه غریض و طویل رهبر میلیونها دلار صرف میکنند. جمهوری اسلامی میلیاردها دلار را خرج دو ارتش بزرگ رسمی، ارتش و سپاه پاسداران، میکند. میلیونها دلار را خرج دستگاه اطلاعاتی و تروریستی خود میکند. خیل سرمایه داران مسلمان و تجار اسما و لشکر دولتیان میلیونها تنه‌ها مالیاتی نمیدانند بلکه تحت حمایت دولت بساط چپاول راه انداخته‌اند. دولت جمهوری اسلامی پول دارد اما آترا خرج دم و دستگاه خود میکند. دستمزد لشکر عظیم سپاهی، ترور، چهل و چهل و سرباز رژیم تنها با کمبود بودجه و مشکل عدم پرداخت «دستمزد»ها روبرو نیست، بلکه شاهد

جمهوری اسلامی فلاکت بیسابقه‌ای را به کارگران ایران تحمیل کرده است. کارگران ایران به فقر فقر رانده شده‌اند و زندگی فیزیکی و حیات معنوی خانواده‌های کارگری در معرض تباهی قرار دارند.

عدم پرداخت دستمزد به کارگران پدیده‌ای همگانی شده است. حتی محجوب دبیر خانه‌کارگر جمهوری اسلامی اعتراف میکند که نزدیک به ۴۰۰ کارخانه دستمزد کارگران را پرداخت نکند و دستمزد ۴۰۰ هزار کارگر دیگر نصف شده است. صنعت نساجی تقریباً متوقف است. صنعت ساختمان نیز به همین وضع دچار است. هزاران کارگر بی‌الحال بیکار شده‌اند و دهها هزار کارگر کارخانه‌های سیمان و صنایع مرتبط دچار تعویق پرداختها و تهدید بیکارسازی‌اند. بسیاری از کارگران

شهرداریها با تعویق پرداختها روبرو بوده‌اند. خود دولت اعلام کرد که دستمزد آموزگاران و بخش‌هایی از دانش‌آموزان پرداخت نشده است. اعتراضات کارگری علیه مبارزات از اعتصاب در محدوده کارخانه تا راهپیمایی و اشغال مراکز دولتی و پیکت در خیابان را در بر گرفته است. تعیین حداقل دستمزد توسط جمهوری اسلامی در حقیقت وسیله‌ای برای کاهش دستمزدهای واقعی است. جمهوری اسلامی حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۷۷ را تنها ۱۸ درصد افزایش داد. در حالی که نرخ تورم چیزی حدود ۶۰ درصد بوده است. در حالی که خط فقر بر اساس آمارهای سال ۱۳۷۶، به تعریف بانک مرکزی ایران ۱۱۳۰۰۰ تومان درآمد ماهیانه است، رژیم مستبد حداقل دستمزد ماهیانه کارگران را ۳۰۰۰۰ تومان تعیین کرده است. بنا بگفته سازمان تامین اجتماعی حدود ۶۰ درصد از کارگران زیر پوشش قانون کار زیر خط

افزایش واقعی واقعی برداختی‌ها است. تنها حقوق خامنه‌ای، رفسنجانی، خاتمی و آژوند، پاسدار و حزب الله عقب افتاده نمی‌افتد بلکه تروریستهای رسماً اعلام کل جمعیت نزدیک به ده میلیون کارگر در ایران حق تشکّل و اعتصاب وجود ندارد. اعتراض کارگری در هر قدم خود با تعرض جمهوری اسلامی روبرو میشود. دستگیری و اعدام فعالین کارگری، هجوم نظامی به محیطهای کار برای درهم شکستن اعتصابات و تهدید و اخراج کارگران اعتراضی از روش‌های شناخته شده رژیم ایران است. واقعیت این است که جمهوری مدعی آقای خاتمی هم چیزی جز فلاکت و بیحقوقی «مدنیت یافته» برای کارگران و توده وسیع مردم نیست.

حزب کمونیست کارگری ایران - کمیته داخل اسفند ۷۷ - ۲۸ فوریه ۹۹

زنان آزادخواه حجابشان را بدور میاندازند

اسلامی است. سرپیچی زنان بمعنای مرگ این رژیم منحوس است. و از همین روست که زنان شجاع و آزادخواه در سنجند و کامیاران تاریخساز شدند و ارکان قدرت جمهوری اسلامی را به لرزه انداختند.

زنان در تظاهراتی وسیع و توده ای در شهرهای سنجند و کامیاران حجاب های خود را بدور انداخته اند. این واقعه از مهمترین وقایع سیاسی بیست سال اخیر در ایران است. این کاپوس بیست ساله جمهوری اسلامی است که واقعیت می یابد.

جمهوری اسلامی حیات خود را با یورش به حقوق زنان، با درنبرد کردن زنان، با سپاه پوش کردن زنان آغاز کرد. هرگاه موجودیت خود را در خطر دید برای زنان خط و نشان کشید و دار و دسته های لات و چاقوکش حزب الهی اش را بچنانشان انداخت.

سرکوب سیستماتیک زنان به هویت جمهوری اسلامی بدل شد. در اذهان جهانپان جمهوری اسلامی مترادف است با آپارتاید جنسی، با زن ستیزی، با بی حقوقی زنان. انقیاد زنان شرط حیات و سبیل بقای جمهوری

درد بر زنان آزادخواه **مرکب بر جمهوری اسلامی** **زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری**

آذر ماجدی سردبیر مدوسا

عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ فوریه ۱۹۹۹، ۵ اسفند ۱۳۷۷

تیراژ این شماره نشریه انترناسیونال در خارج کشور ۳۰۰۰۰ نسخه است.

- * این شماره در کانادا ۶۰۰۰ نسخه، در آمریکا ۴۰۰۰ نسخه و در اروپا ۲۰ هزار نسخه توزیع میشود.
- * هزینه بازتکثیر انترناسیونال در آمریکا توسط اعضا و فعالین حزب در آمریکا تامین میشود.
- * انترناسیونال در کردستان عراق نیز بازتکثیر میشود.
- * انترناسیونال برای توزیع در داخل ایران بصورت ریز بچاپ میرسد.

هزینه چاپ این شماره انترناسیونال را اعضا و دستداران حزب در آمریکا پرداخت کرده اند.

مصاحبه انترناسیونال با آذر ماجدی

عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران و سردبیر نشریه مدوسا



انترناسیونال: با انتشار سومین شماره مدوسا بنظر می‌رسد این نشریه با هر شماره جدیدی دارد بیشتر به اهدافش گوشت و پوست میدهد، ارزیابی خودت چیست؟

آذر ماجدی: خوشحالم که چنین ارزیابی از کار تاکنونی ما دارید. البته طبیعی است که کار بهبود پیدا کند. راستش بسیاری از خوانندگان مدوسا هم بنظر می‌رسد که کم و بیش همین برداشت را دارند. مدوسا همانطور که در یادداشت سردبیر شماره ۲ هم نوشته‌ام با استقبال بسیاری روبرو شده که برای خود ما هم غیرقابل انتظار بود. خیلی‌ها می‌گفتند که جای چنین نشریه‌ای را خالی میدیند و از انتشار آن احساس خوشحالی میکردند. استقبال از مدوسا پس از انتشار هر شماره جدید گرمتر و بیشتر شده است.

ولی کمیته‌هایی وجود دارد که باید رفع شوند. و ما درصدد رفع آن هستیم. بطور کلی برای دستیابی به نشریه ایده آل مان، ما با دو مساله مواجه هستیم. اولین و مهمترین مساله به محتوا و غنای نظری - تحلیلی نشریه برمیگردد. در این رابطه پیچیدگی کار در اینجاست که عرصه‌های کار بسیار متنوع است و پرداختن جدی و عمیق به هر یک از این عرصه‌ها علاوه بر جلب کادری صاحب نظر و مجرب، بیشتر مستلزم صرف نیرو و انرژی زیادی است که بیش از هر چیز احتیاج به زمان دارد.

فی‌المثل ما با ارتجاعی ترین، عقب‌افتاده ترین و خشن ترین شرایط سرکوب زنان در مواجه هستیم، مبارزه علیه این شرایط و افشای آن یکی از وجوه مهم فعالیت ماست و این در مدوسا منکسر میشود. بعلاوه ما بخشی از جنبش بین‌المللی برای رهایی زن استم و سرکوب هستیم. ما به پیشرفته ترین کشورها در این عرصه نیز نقد داریم. در عین حال ما گرایش متفاوتی را در این عرصه نمایندگان کمینکم، این وجه از فعالیت نیز باید در مدوسا منعکس شود. باین ترتیب مدوسا هم نشریه یک گروه ملیتات مبارزه علیه آپارتاید جنسی در ایران است، هم علیه اسلام و عقب‌افتاده ترین قوانین و سنت‌های مردسالارانه باید حرف بزند و هم باید در عرصه بین‌المللی مبارزه نظری و فکری در این زمینه دخالت و سهم گذاری کند. پرداختن به این وجوه انظر که لازم است و مایلم متأسفانه همیشه امکان پذیر نیست.

دومین مساله از نوع ژورنالیستی است، جای دادن اینهمه مسائل متنوع، که عموماً مسائلی متراکم کننده و تلخ هستند در یک مجموعه جذاب و خواندنی. این وجه مساله با کسب تجربه و مهارت حرفه‌ای قابل حل است.

خلاصه بگویم که ما هنوز از آن نشریه کاملاً مطلوب خودمان فاصله داریم.

انترناسیونال: در این سه شماره مدوسا پوشش مسائل و مشکلات متنوع زنان

مدوسا فقط در آنچه شما مطرح کردید، نیست. حتی شاید باید بگویم که در این عرصه کمتر است. کمبود بیشتر آنجاست که باید برخی از مسائلی که در بالا به آن اشاره کردید با تحلیل و عمق بیشتری مورد بررسی قرار بگیرد. مثلاً خشونت، بازار کار و غیره. ما در تلاطمی که این کمبودها را رفع کنیم.

انترناسیونال: اولین کنفرانس مدوسا با تمرکز روی ملزومات و موانع آزادی زن در ایران امروز قرار است آذینبند آتی برگزار شود. در این باره لطفاً کمی توضیح بیشتری بدهید. با توافق بر اینکه تمرکز روی «ایران امروز» در این کنفرانس کلاماً بچکست، آیا در نظر دارید بخشی از کنفرانس را به چارچوب جهانی مساله اختصاص دهید طوری که بتواند به گذشتن ملزومات و موانع آزادی زن در ایران امروز» در یک قالب ذهنی جهانی، به برخورد و تبادل چنان بینی» ها در ارتباط با این مساله و بهر چه از محدود بینی و محلی نگریستن مساله کمک کند؟

آذر ماجدی: این اولین کنفرانس مدوسا است. میریختن اوضاع زنان در ایران ایجاد میکند که از این مساله شروع کنیم. ما از عده‌ای صاحب نظر در این عرصه دعوت کرده‌ایم که با نظرانشان از مطرح کنند و به بحث بگذارند.

همه اتفاق نظر دارند که یکی از مسائل اساسی سیاسی و اجتماعی در ایران مساله زن است. سرکوب خشن زنان، بیحقوقی مطلق زنان، وجود یک رژیم سرکوبگر، از این استخوان زن ستیز و مقاومت و مبارزه زنان برای آزادی از این شرایط یکی از وجوه اصلی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایران است سال اخیر بوده است. تنش میان رژیم ضد زن و زنان به ستوه آمده از تحقیر و سرکوب هر روزه، اخیراً وسیعتر و شدیدتر شده است. سوانی که مطرح است، نه فقط برای جنبش‌های سیاسی اپوزیسیون اینست که به این مساله چه جوابی باید داد.

برگزاری این کنفرانس قدمی است در جهت پاسخگویی به این سوال مبرم. سخنرانان این کنفرانس متعلق به گرایشات سیاسی و اجتماعی متفاوتی هستند و این امر باعث میشود که مساله از زوایای مختلفی مورد بحث و بررسی قرار بگیرد. واضح است که هر سخنران خودش تعیین میکند که معضل را در چه چارچوبی قرار میدهد. ولی با اعتقاد من یکی از بحث‌های اصلی کنفرانس بحث در مورد همین قالبها و چارچوبها خواهد بود. نمیتوان راجع به موانع و ملزومات رهایی زن صحبت کرد و درباره چارچوب‌های نگرش به مساله و جهان بینی‌ها و گرایشهای مختلف تحلیل مساله صحبت نکرد.

در این سه شماره مدوسا پوشش مسائل و مشکلات متنوع زنان

از "نگاه" نشریه کانون پژوهشی نگاه، دفتر اول، ژانویه ۹۹

تم دفتر اول "نگاه"، اسلام و سیاست در ایران معاصر است.

اسلام و اسلام زدایی

مصاحبه با منصور حکمت

نگاه: وجود و عملکرد جریانات و دولتهای اسلامی در سالهای اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا، در عین حال سبب اختلافاتی در برخورد به مذهب و جریانات و دولتهای مذهبی شده است. هستند کسانی که می‌گویند: دولتها و جریانات اسلامی و مذهب اسلام را باید از هم جدا کرد؛ آنچه که در این کشورها می‌گذرد، ربطی به اسلام ندارد و ناشی از درک و استنتاج حرفی زد، چون این توهین به عقیده مردم است و باعث تفرقه بین آنها می‌شود؛ نظر شما در این مورد چیست؟

منصور حکمت: من این را درک نمی‌کنم که منافع عده‌ای چنین اقتضای می‌کند که تا حد امکان اسلام را از زیر تیغ حمله مردمی که قربانی و یا شاهد جنایات غیرقابل توصیف اسلام‌پویند، پند ببرند. من این را درک می‌کنم که ابعاد این جنایات و این हालाکاست چنان است که حتی در میان صف اسلام‌پویند هم کسانی پیدا می‌شوند که نمی‌خواهند مسئولیت این همه پلیدی و زشتی را بر عهده بگیرند و لاجرم بنظر من طبیعی است که در چنین اوضاعی، بحث "اسلام راستین" و رابطه آن با "اسلام پراکنک" یک بار دیگر بالا بگیرد. اما از نظر من کمونیست، من آنستیم، از نظر ما شاهدان و قربانیان جنایات این اسلام، از نظر من و امثال من که در یک جدال سهمگین اجتماعی و سیاسی و فکری با این هیولا بس می‌بریم، این اظهارات و توجیحات از فرط رندی، احمقانه جلوه می‌کند. مبنای عقیدتین اسلام، مبنای قرآنی اسلام، انکشاف تاریخی اسلام، جایگاه اجتماعی اسلام، هویت و تعلق سیاسی اسلام و اسلام‌پویند در جدال آزادی و ارتجاع در عصر ما مبنای تر و غیر قابل پویانند. فرد از آنست که اجازه بدهد بحث روایات مختلف اسلام و وجود یا احتمال وجود روایت دیگری از اسلام، ولو در آینده و در حرات دیگر، که در آن ابتدای ترین حقوق و عواطف بشری لعن و لگدمال شده باشد، نهایت بی حرمتی به علم و به شعور اجتماعی انسان زمان ماست، هر که توجیه و هر مصلحتی که اسلام‌پویند در حال هرزیمت بروی جامعه پرت می‌کنند را به عنوان مبحثی برای تجزیه و تحلیل و موشکافی علمی بپذیریم. فرد در اسلام، چه راستین و چه غیر آن، بی حقوق و بی حرمت است. زن موشکافی علمی بپذیریم. فرد در اسلام در رده احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون نظر مذهب بر کپل مرتکبش، گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است. راستش همه ادیان همین اند، اما بیشتر ادیان را بشریت آزاداندیش و آزادیخواه در

طرح سیاسی و پلیسی است و به طرق سیاسی برانداخته خواهد شد.

نگاه: مطبوعات ایران را که ورق می‌زدید، به بحثهای فراوان و کثافی درباره: رابطه حکومت دینی و مردم، دین و آزادی، دین و تعقل، دین و جامعه مدنی، و... برمی‌خوردید. در مورد اینها چه فکر می‌کنید؟ رابطه مذهب، و در اینجا اسلام، با حاکمیت مردم و جامعه مدنی و آزادی و تعقل و ... را چگونه می‌بینید؟

منصور حکمت: مذهب، ایدئولوژی رسمی یک دولت فوق العاده خشن در ایران است. در نتیجه برای قشر روشنفکری که در ایران زیست می‌کند، هر موضوعی باید در متن اسلام و به عنوان گوشه‌ای از جهان بینی اسلامی بررسی شود و یا لاقلاً تنش‌های هر نظری با اسلام حاکم مورد اشاره قرار بگیرد. مباحثی نظیر حقوق بشر، آزادی های مدنی، نظام سیاسی، سیاست اقتصادی، علم، فرهنگ و هنر و غیره همه مباحث مهم و مبرمی هستند که الیت فکری جامعه در همه جا دامن به آن می‌پردازد. در ایران به همه اینها باید عبارت "مذهب اسلام" اضافه شود. این به این معنی نیست که اسلام در خود پروپاگاندی مورد بحث جای علمی مشورعی دارد. این یک اجبار سیاسی است و نه شناخت شناخته‌ای است حتی تاریخی. این دوره بزودی می‌گذرد و مجلات ایران به این مفاهیم در یک قالب جدی تر، بدون ازام تطبیق چیزی با اسلام و یا نشان دادن

در جامعه ای سرمایه داری و در یک بازار جهانی تولید و زیست می‌کنند، اگر معلوم شود که این راه و رسم ها و قوانین اسلامی به زور زندان و شکنجه گاه و اعدام و گشت خیابانی و دشته و اسید و سنگسار به اینها تحمیل شده است، اگر معلوم شود که این مردم نظیر همه جای دیگر تشنه آزادی و برابری و رفع تبعیض اند، اگر معلوم شود که قوی ترین خصیصه این مردم، علیرغم همه این فشارها، عشق شان برای فرهنگ و زیست عnoch غربی است، آتوتت تمام این عمارت ایدئولوژیکی عوام فریبانه فرو می ریزد و خسارات غیر قابل توصیفی بیار می آورد.

جامعه ایران، جامعه ای اسلامی نیست. رژیم استبدادی حاکم بر ایران هیچ کمترین اسلامی است. که علیرغم همه این فشارها، هنوز نتوانسته است مردم را ناگزیر کند تا این هویت اسلامی را بر خود بپذیرند. من یک غناز برای روشنفکری که با ارجاع به آمار ثبت احوال و مقوله "مذهب رسمی" مهر تائید پای این اسم گذاری ریاکارانه می‌گذارد، ارزش قائل نیستم. پذیرش این مقوله، و از آن بدتر تبلیغ این مقوله، یک رکن تداوم فاجعه ای است که در ایران و کشورهای اسلام زده جریان دارد.

نگاه: نظراتان در مورد مذهب مرتقی و پروتستانیسم اسلامی چیست؟ خیلی‌ها از شخصیت های فرهنگی گرفته تا سازمان های سیاسی،

زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در رده احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب بر کپل مرتکبش، گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است.

جنش ما (کمونیسم کارگری) و نفرت عمیق توده وسیع مردم ایران و بیوزنه زنان و جوانان در اسلام، ماتریالیستیک تحول جندی ضد مذهبی و اسلام زداییانه را در ایران می‌سازد.



می‌گویند باید از شریعتی و سرودش و سایر دگراندیشان اسلامی در مقابل شنت گرین" دفاع کرد. می‌گویند با میدان دادن و حمایت از اینان، اوضاع جامعه و زندگی مردم درست می‌شود. نظر شما در این مورد چیست؟

منصور حکمت: پروتستانیسم اسلامی اگر بنیاست پروتستانیسم باشد، باید انشعابی دینی ایجاد کند و قبله و هیئزاشی مذهبی جدیدی تاسیس کند. توده مردمانی را به این اسلام نوع دیگر فرا بخواند. کاری که شاید بهنایت قرار بود بکند. مذهبی از حکومتی که ناگهان با او جفا کرده است را نمی‌توان با این تحولات و چرخش های بزرگ تاریخی در غرب قیاس کرد. اسلام در رویانی فرهنگی خاورمیانه و ایران امروز و در رابطه با اقتصاد سیاسی جامعه کنونی، آن نقش را ندارد که مسیحیت در دوران عروج سرمایه داری در غرب داشت. تطبیق یافتن یا نیافتن اسلام با سیر تکوین اقتصادی ای جوامع، مقوله ای فرعی است. این سیر اقتصادی مستقل از حال و هوای اسلام و چند و چون قدرت تطبیقش با جامعه مدرن به هر حال طی می‌شود. جامعه ایران احتیاجی به لوتی و کالون ندارد، چون حاکمیت اسلام بر آن یک هژمونی عقیدتی، روانشناخته و ساختاری، بلکه یک

بر جامعه ایران، نه محصول یک تحمیل و فشار سیاسی، بلکه ناشی از نگرش و باورهای خود مردم قلمداد شود. اگر واقعا حجابی که بر سر زنان ایران است، انتخاب خودشان باشد و از نگاه اسلامی خوشان باشد مایه بگیرد، چقدر وجدانها در غرب آسوده تر می‌شود، چقدر معاملات و بند و بست های رژیم های دموکرات و لاس زدن روشنفکران و ژورنالیست های یابپ غربی با دولت ایران صوجه می‌شود، چقدر خفه کردن صلاای اعتراض زن آزاده و اپوزیسیون انقلابی ایران به عنوان عده ای ناراضی افراطی و "جدا از مردم" ساده تر می‌شود. بسته بندی مذهبی و فرهنگی و قومی و ملی مردم، همیشه قدم اول در انکار حقوق یونیورسال و جهان شمول آنها به عنوان انسان است. اگر نسل کشی در روانها ادامه یک سنت آفریقایی است، اگر سنگسار یک رسم اسلامی مردم ایران است، اگر حجاب بخشی از فرهنگ زن در "جوامع اسلامی" است، اگر شوهر دادن دختر نه ساله رسم و رسوم خود مردم آن ممالک است، آتوتت واقعا می‌شود فراموششان کرد، می‌شود پیششان کرد، می‌شود بیارشان کرد و در پشت دیوار بلند مدنیت و دموکراسی غربی زیر دست حکام خودشان رهاایشان کرد. اما اگر معلوم شود که این انسان ها چون دیگران

برای بخش اعظم قرن بیستم، تحت تاثیر ترندهای بین المللی مذهب تری قرار گرفتند که به اینها رنگ متفاوت از کشمکش مذهب و روشنفکری در اروپای قرون قبل زد. اشاره من به انقلاب اکبر و ظهور هم اسلام و هم روشنفکری ضد اسلامی در متن یک تلاقی مهم تر بین المللی، در ظرفیت های تاریخی دیگری قالب زده شدند، یا شاید بتوان گفت از نو تعریف شدند. روشنفکری ابتدا به بخشی از تحک سوسیالیستی در جامعه بدل شد، اما خیلی سریع با ظهور شوروی به عنوان یک کاردگاه بورژوازی جهانی، عملا به یک جنبش آزادی و دم بریده تبدیل شد. بنظر من لیه انتقادی و مذهب سبزی آزاد اندیشانه و بی محابای آخوند ملی و مذهب خلئی، و الهیات رهائی بخشی که می توانست موثلف اردوگاه شوروی در مقابل امپریالیسم آمریکا باشد، کشف شده بود و اسلام قابل دفاع یا قابل مدارا یافت شده بود. با استالینی شدن و توده ایست شدن جامعه روشنفکری ایران و ورود ملاحظاتی کاتکتیکی در برخورد به مذهب به عنوان پدیده‌ای که از قرار می توانست علیه سلطنت و آمریکا کارساز باشد، در اوراق تاریخ. این دوره بزودی می‌گذرد و مجلات ایران به این مفاهیم در یک قالب جدی تر، بدون ازام تطبیق چیزی با اسلام و یا نشان دادن تناقض چیزی با اسلام، خواهند پرداخت. بنظر من مباحث اپوزیسیون مجاز و منتقدین قانونی در یک رژیم استبدادی را هیچ وقت نباید در صورت ظاهر آنها و بر مبنای تعاریف و مقولاتی که خود به دست می‌دهند، جدی گرفت. مباحث واقعی در جامعه ایران وقتی به جلوی صحنه و صفحات نشریات راستش من مطالب نشریات روشنفکری داخل کشور را از نظر محتوایی مهم و جدی و مربوط نمی‌دانم. بیشتر جدال سیاسی ای که پشت رابطه و کشمکش دولت و این مجلات هست بنظر من قابل توجه است.

یک دنیا بهتر را بخوانید!



برای انترناسیونال

مصطفی صابر
mosaber@yahoo.com

از گورباچف تا گاندی

اخیرا اینجا و آنجا خاتمی را با گاندی مقایسه می کنند!! در ابتدای کار، برخی تشریفات معتبر دنیا، خاتمی را آیت الله گورباچف خواندند. نقشه یا آرزوی تدهن خیلی ها این بود (و بعضی هنوز هست) که تحولات اجتماعی در ایران همان الگوی فروپاشی بلوک سرمایه داری دولتی شرق را دنبال میکنند. در پس گورباچف، پلستینی (یک آیت الله معزول؟) یا مثل چکسلواکی یک "ژوسننه"؟ خواهد آمد که وسط تهران بالای تانک میروید و با ریختن آب تطهیر روی ارتش و ارگانهای حاکمیت بورژوازی فریاد "آزادی" سر میدهد، قدرت را از بالای سر مردم میگیرد و "دمکراسی و بازار آزاد" حاکم میشود... اما گند الگوی پلستینی در اروپای شرقی چنان بالا آمده و اوضاع ایران چنان متفاوت است که حتی مصمم ترین پرو خاتمی ها هم نفقا خواب های پلستینی نمی بینند. "جامعه مدنی" (همان "مدینه النبی") ظاهرا الگوی بهتری است. طبق این الگو آقای خاتمی قرات است که گام یکام ولایت فقیه و شورای نگهبان را با "پارلمان" انتخابات آزاد، حزب الله چرخانی و کشتارهای منافیایی را با دستگیری و اعدام توسط "دادگاه های قانونی و مدنی"، سانسور اعلامی را با "آزادی مطبوعات" رژیم، ممنوعیت تجزیه، شکل و اعتصاب را با "آزادی احزاب" و فادار به قانون اساسی جمهوری اسلامی آشتی کند. و بهمین مسخرگی "نظام را حفظ کند". اما چطور میشود همه این چشم بندیهای سیاسی را انجام داد و انتظار داشت که مردم به جان آمده اعتصاب نکنند، به خیابان نریزند و ۳۰ ساعت کار و برابری بی قید و شرط زن و مرد، آزادی بی قید و شرط سیاسی و خیلی چیزهای دیگر را طلب نکنند، که برای نابودی کامل جمهوری اسلامی بیا نخرند؟ اینجاست که مرحوم گاندی وارد داستان میشود. و همه گاندی بودن آقای خاتمی هم در این است که ایشان مردم را به "مسالمت" و "عدم خشونت" دعوت کند. به زیان آدمیزاد یعنی اینکه از پیش مردم را از انقلاب و دست بردن به قدرت سیاسی باز دارد. این تم تکرار شونده تمام اینگونه داستانهاست. اینکه "قهرمان" های زنده و مرده بورژوازی از گورباچف تا گاندی (همینطور دیگران امیرکبیر، لاک، مصدق و...) برای توجیه پروژه خاتمی افعار میشوند نشان میدهد که داستانرایان ما به چه خصصه ای دچارند.

نیز برق آذرخش

اعتراضات گسترده مردم شهرهای کردستان در ایران خیلی ها را خوش نیامد. در صدر لیست البته جمهوری اسلامی است. نه فقط جناح قدراه بند، بلکه جناح "دگراندیش" و خاتمی چی و روزنامه هایش همه، این اعتراضات و کشتار مردم را مسکوت گذاروند. قابل فهم است. این اعتراضات بوی رنگ جمهوری اسلامی به مشام ایشان رسید. بی بی سی هم به این اعتراضات روی خوشی نشان نداد. حذف اخبار اعتراضات البته لکه رنگی بر شرافت خبرنگاری اینها نبود. ملاحظه مهمتری در شرکت جنایت جمهوری اسلامی شدن وجود داشت: دلشان نمی خواست خاتمی را درست در وسط انتخابات شوراها "تضعیف" کند؛ پ ک ک که هم در قفسه از اعتراضات علیه جمهوری خاتمی خوش نیامد که آترا آنحرافی و "صهیونیستی" خواند. یک شاهکار دیگر از ناسیونالیسم و بی ربطی این جریان به امر رهانی و آزادی مردم. سلطنت طیلان با احتیاط به این اعتراضات برخورد کردند. هر وقت مردم در کردستان اعتراض میکنند، "تصامیت ارضی" و خون غلظت طلبی ایرانی اولین چیزی است که به کله اینها میزند. توده ای اکثریتی ها از همه رندانه تر ناخوشایندی شان را در پنهان کردن. تا توانستند اینجا و آنجا اخبار اعتراضات شان را با دوز کلک های ژورالیستی در حاشیه قرار دادند. اینها هم نگران انتخابات شوراها و "خاتمی" عزیزشان بودند. کلا اعتراضات رادیکالی که شعار سرنگونی میدهد، شوراها را میزند. تحریم میکند، حجاب از سر میگیرد و غیره به گروه خون اینها نمیخورد... وقتی اولین جرقه های رادیکالیسم توده های مردم آسمان را روشن کرد خیلی ها خود را کنار جمهوری اسلامی یافتند!

اولیتاموم علیه اشباح!

یک پند "برنامه" اعلام شده وزیر جدید اطلاعات "مقابله با اخلاکاران اقتصادی" و "دفاع از امنیت سرمایه گذاران داخلی و خارجی" است. آخوند قبلی وزارتخانه آدمکشها حرفه ای نیز، که مجبور به استعفا شد، بارها همین ها را گفته بود. جالب تر اینست که درست قبل از معرفی وزیر جدید، کل قوه قضائیه جمهوری اسلامی نیز با کلماتی هراسناک به تهدید اخلاکاران اقتصادی پرداخت: "قوه قضائیه مصمم است، با همکاری و همیاری سایر قوا نسبت به حمایت قانونی از سرمایه گذارهای داخلی و خارجی و تضمین امنیت اقتصادی... با هر گونه اخلاکار در نظام اقتصادی برخورد قاطع کند". اینها را آخوند بابایی بعنوان گزارش جلسه دوشنبه ۲۶ بهمن مسئولان قضائیه کشور به ریاست یزیدی اعلام کرد. "در این جلسه تاکید شده است که قانون شکنی و برخورد شعاری با امور اقتصادی و زیر بنایی کشور قابل تحمل نیست!"

اشباحی که امنیت سرمایه داخلی و خارجی" را تهدید میکنند البته کارگران و اعتصابات و تظاهرات کارگری است. در هفته های اخیر خبر از یک تحصن دو روزه در جنوب و زمزمه اعتصاب در بین کارگران توانیر بود. (برخورد غیر قانونی با امور زیربنایی کشور؟) همچنین صدها کارگر شرکت نغ کار در اعتراض عدم دریافت حقوق در برابر وزارت کار در مرکز تهران جمع شدند، شعار دادند و تحصن کردند. (برخورد شعاری با امور اقتصادی؟) مهمتر اینکه ماههای بهمن و اسفند ستا ماههای اعتراض و اعتصاب برای افزایش ستمدستی است. ظاهرا در این اوضاع حساس و بحرانی جمهوری اسلامی، دندان نشان دادن وزارت اطلاعات کافی نبوده، لازم بوده که کل قوه قضائیه هم "با همکاری و همیاری سایر قوا" به کارگران و اولیتاموم بدهد. البته بدون اینکه اسم آنها را ببرد. کارگران که فقط چنگ و دندان را که رژیم نشان میدهد، بلکه همینطور قدرت رهایی بخش اتحادشان را که رژیم از بردن اسم آن وحشت دارد، جدی میگردند.

حکایت از آن دارد که توازن میان مردم و رژیم، به وضعیت پیش از خیزش بر نخواهد گشت و مردم مصمم و متعزز، باز برای ضربه زدن به دم و دستگاه سرکوب و جنایت رژیم میدان خواهند آمد. از ماهها قبل از این خیزش، شهرهای کردستان بارها شاهد تظاهرات و زدوخورده با مأموران رژیم بودند و در همه این حرکات توده ای، مردم کردستان چه در مقابله جسورانه خود علیه سرکوبگران و چه با سردان شاعرهای رادیکال نشان داده اند که همگام با مردم آزادخواه سراسر ایران تا نابودی رژیم اسلامی از پا نمی نشینند.

برخلاف تصویری که جریانات ناسیونالیست کرد میدهد، این خیزش رنگ و بوی ملی نداشت؛ تظاهر شاعرها و شعائر ملی در آن محدود و کم دامنه بود و تحت الشعاع مبارزه عمومی و خواستهای سراسری و طبقاتی در راستای سرنگونی جمهوری اسلامی بود؛ به همین دلیل هم تلاش رژیم برای بهره برداری از آن موقعیت سیاسی بقتصد دور کردن آتش تنفر مردم از خود، در گام اول به سنگ خورد.

در خلال اعتراضات اخیر همچنین عقب ماندگی جریانات ناسیونالیست کرد و بیربطی مواضع سیاسی شان به آزادیخواهی مردم یک بار دیگر برملا شد، مواضعی که نه فقط با این حرکت رادیکال خواتمی نداشت، بلکه در مقابل آن قرار گرفت. به دو مورد انتضاح سیاسی این جریانات باید اشاره کرد:

تظاهرات سراسری در حمایت از مبارزه توده ای مردم کردستان مقابل سفارتخانه های رژیم جنایتکار اسلامی ایران

نو در کپنهاگ بتاريخ ۳۱ ژانویه، رادیو انترناسیونال در ۲۱ فوریه، رادیو همبستگی در مالمو سوئد در تاریخ ۲۸ فوریه
* مصاحبه حسین مرادیگی عضو کمیته مرکزی و هیئت اجرایی کمیته کردستان حزب با رادیو روشنگر در لولویرو سوئد ۲۴ ژانویه، رادیو انترناسیونال در استکهلم ۲۸ فوریه، رادیو دنیای نو در کپنهاگ ۲۸ فوریه، رادیو ایران در گوتنبرگ سوئد ۲ مارس
* مصاحبه ایرج فرزاد عضو مرکزی و کمیته کردستان حزب با رادیو انترناسیونال ۱۴ فوریه
* مصاحبه محمد آسنگران عضو کمیته کردستان حزب با رادیو دویچپوله فارسی، ۲۳ فوریه، با تلویزیون فارسی زبان در شهر اسن آلمان، ۳ مارس
* مصاحبه صالح سرداری عضو مشاور کمیته مرکزی و هیئت اجرایی کمیته کردستان حزب با رادیو دویچپوله فارسی، ۲۳ فوریه
* مصاحبه اسماعیل ویسی عضو کمیته کردستان حزب با روزنامه هلستینکی سانومات در مورد استرداد اوجالان به تاریخ ۱۶ فوریه به موازات درگیری ها، کمیته کردستان حزب دوازده اطلاعیه خبری و کمیته های سنندج و میروان حزب نیز چند اطلاعیه صادر کرده اند. علاوه کادراهی کمیته کردستان حزب: ایرج فرزاد، صالح گلچینی، حسین مرادیگی، صالح سرداری، عبدالله دارایی و مسجد حسینی اطلاعیه هایی خطاب به مردم کردستان صادر کردند.

فاتح شیخ الاسلامی خیزش مردم در شهرهای کردستان، یک نقطه عطف مهم مبارزاتی

با این واقعیت مواجه شدند که عرصه میان نیروی مبارزه مردم و حاکمیت جنایتکار اسلامی ببار آورد. این خیزش، اوج یک حرکت توده ای رادیکال بود که از ماهها و هفته های قبل در سنندج و دیگر شهرهای کردستان علیه رژیم براه افتاده بود. درگیری وسیع ۴ بهمن و تظاهرات گسترده ۲۲ بهمن در سنندج دو پیش درآمد نزدیک خیزش اخیر بودند. در این میان روییدن عبدالله اوجالان توسط دولت ترکیه موقعیت ایجاد کرد که مردم شهرهای کردستان از آن برای ابراز تنفر هم علیه دولت ترکیه و هم خود جمهوری اسلامی استفاده کردند. وضعیت ویژه مساله اوجالان در چارچوب اختلافات دو رژیم حاکم بر ایران و ترکیه، رژیم اسلامی را به طمع بهره برداری از آن انداخت، اما مردمی که آگاهانه به میدان آمده بودند موقعیت پیش آمده را سرها برای براه انداختن حرکتی گسترده و رادیکال علیه خود جمهوری اسلامی بخدمت گرفتند. مسئولان رژیم ناگهان

به رغم این جنایات و به رغم برقراری حکومت نظامی، روحیه مردم در پی این خیزش، بسیار بالاتر رفته و جنایتکاران حاکم بشدت هراسیده و روحیه باخته و دست به عصا شده اند. اوضاع بظاهر آرام است ولی همه چیز

موج بلند اعتراض در شهرهای کردستان

از پیش از یکسال پیش بین مردم شهرهای کردستان و نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی درگیریهای مکرری جریان داشته که اخبار آن توسط کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران در اختیار رسانه ها قرار گرفته و به اطلاع افکار عمومی رسیده است. این درگیریها قطع نظر از اینکه جرقه آنها از چه رویدادی برخاسته است، قبل از هرچیز نشان میدهند که جمهوری اسلامی در محاصره آتش نفرت و ناراضیاتی توده های محروم و آزادیخواه قرار دارد و مردم کردستان تن به قبول حضور و حاکمیت ارتجاعی آن نداده اند.

همچون بقیه مردم ایران، هدف مردم کردستان نابودی رژیم اسلامی است و آنها برای ابراز اعتراض و تنفر خود علیه رژیم از هر فرصت و مناسبتی استفاده میکنند. در ادامه حرکات اعتراضی ای که از اوایل بهمن در سنندج و چند شهر دیگر براه افتاد، رویداد دستگیری عبدالله اوجالان در اواخر این ماه فرصتی بود که مردم ضمن ابراز انزجار از اقدام دولت ترکیه، بار دیگر تنفر خود علیه جمهوری اسلامی را بنمایش بگذارند.

اعتراضات مردم ابتدا از ارومیه شروع شد. طی درگیریهای این شهر تعدادی کشته و دهها نفر زخمی شدند و تظاهرکنندگان چندین خودرو نیروهای سرکوبگر را آتش زدند. با ادامه تظاهرات ارومیه، دامنه حرکت به شهرهای مهاباد، پیرانشهر، سردشت، بوکان، سنقر، سنندج، میروان و کامیاران کشیده شد. در بوکان تظاهرکنندگان فرمانداری را اشغال کردند و در سنندج طی دو روز تظاهرات وسیع، بیش از پنجاه نفر دستگیر شدند. این در حالی بود که چهل نفر از دستگیر شدگان تظاهرات هفته های پیش هنوز در بازداشت بودند.

رژیم جنایتکار تا دو هفته از تحویل جنازه جانباختگان درگیریهای سنندج امتناع کرد و سپس نیز به شیوه ای ضدانسانی شیانته جنازه ها را در گورستان دفن کرد و تنها ساعاتی قبل از دفن جنازه ها به خانواده هایشان اطلاع میداد که در گورستان حضور یابند.

به حزب کمونیست کارگری ایران کمک مالی کنید

فعالیت‌های حزب در خارج کشور

در اعتراض به دعوت دولت ایتالیا از خاتمی

نادر بککاش از اعضای کمیته مرکزی حزب و مصاحبه رادیو فارسی فرانسه و رادیو ۲۴ ساعت آمریکا با محمد آسنگران کادر حزب کمونیست کارگری ایران.

اتحادیه کارگران صنعت نفت ایتالیا سفر خاتمی را محکوم کرد

بدنبال تماس فعالین حزب در ایتالیا، با سندیکاها و مجامع کارگری، اتحادیه کارگران صنعت نفت ایتالیا E.N.I سفر خاتمی به ایتالیا را محکوم کرد. این اتحادیه در اطلاعیه خود، ضمن دوج بخشی از اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران درباره جنایات جمهوری اسلامی، نوشته است: "خاتمی رئیس جمهور اسلامی ایران، رژیم وحشی و خونخوار؛ رژیم ضد آزادی، رژیمی که اعتراض و اعتصاب کارگران را بخون میکشد، رژیمی که زندگی زنان و جوانان را خفه کرده است، ۹ تا ۱۱ مارس در ایتالیا خواهد بود. کمندی اروپا - خاتمی شایسته مردم نیست، بویژه در میان کارگران و کمونیست‌هایی که همان مسئله برادران و خواهران خود در ایران را دارند.

سخنرانیها

آذر مدرسی، عضو کمیته مرکزی حزب، شرکت در میزگرد پیرامون ۲۰ سال بعد از انقلاب بهمین، خانه حزب کمونیست کارگری ایران - کلن، ۱۹ فوریه. در این میزگرد مصطفی مدنی، از سازمان اتحاد ایتالیا با آزاد نسیم عضو کمیته مرکزی و مسئول تشکیلات خارج کشور حزب، مصاحبه روزنامه لیبراسیون ایتالیا با آذر مدرسی و نیز شرکت داشتند.

محمد آسنگران عضو کمیته کردستان حزب، درباره شرایط و اوضاع سیاسی در کردستان عراق و موقعیت احزاب سیاسی و نیروهای طبقاتی در جامعه، خانه حزب کمونیست کارگری ایران و خانه حزب کمونیست کارگری عراق در کلن، ۱۲ فوریه ۹۹

بهمین شفیق عضو کمیته مرکزی حزب، شرکت در میزگرد در مورد بیستین سالگرد انقلاب ۵۷، خانه حزب کمونیست کارگری در برلین. در این میزگرد مهدی فتاپور (شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت) و کامبیز روستا نیز شرکت داشتند.

اعظم کم گویان، کادر حزب و عضو کمیته بریتانیای حزب، سخنرانی در مراسم روز جهانی زن که از سوی واحد بریتانیای حزب در لندن برگزار شد،

سخنرانی درباره "چپ و فمینیسم در سیمیناری با همین عنوان به دعوت پروژه زنان کانون پنهانندگان سیاسی ایرانی" در برلین ۷ مارس.

سخنرانی درباره جنبش زنان در ایران دو دهه پس از انقلاب ۵۷ در کنفرانس سالانه "انجمن پژوهشگران ایران" که با تم پیامدهای انقلاب ۵۷، لندن ۱۳-۱۱ مارس (بخشی از متن سخنرانی از صدای آمریکا پخش شد)،

شرکت در میزگرد تلویزیون رنگارنگ در لندن بمناسبت بیستین سالگرد انقلاب ۵۷. در این میزگرد ازجمله فریبرز پویا کادر حزب و حسن پورکادریان و فرشاد حسینی از فداسیون پنهانندگان ایرانی در بریتانیا نیز شرکت داشتند.

سوسن بهار کادر حزب و سردهبیر نشریه داروک، سخنرانی به زبان فارسی تحت عنوان نگاهی به وضعیت کردگان جهان در آستانه سال ۲۰۰۰، بدعوت انجمن گلوبال در شهر بروس (سوئد)، ۷ مارس، سخنرانی به زبان سوئدی در مراسم روز جهانی زن در همان شهر، ۸ مارس سخنرانی پروین کابلی کادر حزب و مهاهنگ کننده کمپین دفاع از

حقوق زنان ایران - سوند روز ۸ مارس در تظاهرات مشترکی که توسط گروه ۸ مارس - مرکب از کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان ایران و حزب چپ و چند گروه فمینیست در گوتنبرگ سوئد برگزار شد.

اطلاعیه‌ها

خانه ترور رژیم اسلامی باید تعطیل کرده! تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران کانادا ۷ مارس ۱۹۹۹

وفاقت یک ژورنالیست دست راستی: کشتار مردم کردستان توسط جمهوری اسلامی تقصیر خود مردم بود! (درباره اظهارات علیرضا نوریزاده در رادیو پارس لندن راجع به اعتراضات مردم در شهر های کردستان)، رحمت فاتحی ۲۹ فوریه

مصاحبه‌ها

محمد آسنگران کادر حزب کمونیست کارگری ایران، مصاحبه به زبان آلمانی با تلویزیون سراسری آلمان W.D.R درباره سیاستهای ضد پنهانده دولت آلمان ۱۹ فوریه، مصاحبه با بخش فارسی رادیو آلمان، در جریان تظاهرات ایرانیان در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در دفاع از مبارزات مردم شهرهای کردستان، ۲۳ فوریه و دو بار مصاحبه با بخش فارسی تلویزیون اسن اولی در انتقاد از سیاستهای ضد پنهانده دولت آلمان، ۲۴ فوریه و دومی درباره رویدادهای اخیر در کردستان ایران، ۳ مارس

رادیو "دنیای نو" کهنکاه در ماه فوریه راجع به مسائل گوناگون با تعدادی از کادرهای حزب مصاحبه کرده است:

آذر مدرسی، عضو کمیته مرکزی حزب و دبیر کمیته آلمان حزب، درباره اشغال دفاتر احزاب در آلمان و ارتباط با ترورها در ایران و نیز راجع به آکسیون علیه سفر خرازی به فرانسه

نادر بککاش عضو کمیته مرکزی حزب، درباره آکسیون حزب علیه سفر خرازی

نسان نودینیان کادر حزب و عضو کمیته آلمان، درباره آکسیون روز جهانی زن در بن، ۷ مارس - خلیل کیوان مسئول واحد سوئد حزب، راجع به آکسیون حزب در اعتراض به ترورها در سوئد و نیز درباره اشغال دفتر هواپیمایی ایران در استکهلم توسط فعالین حزب کمونیست کارگری،

جعفر رسا درباره چند مسئله بین المللی: بحران اقتصادی در جهان، بحران در صلح خاورمیانه و جنگ آمریکا علیه عراق

محمد آسنگران در ارتباط با آکسیون پناهجویان در آلمان

فاتح شیخ الاسلامی در مورد حرکت‌های اعتراضی مردم در شهرهای مختلف کردستان ایران

بصیر زیاده در ارتباط با انتشار نشریه "عصر جدید"

همچنین رادیو همبستگی- صدای سوسیالیسم، مالمو سوئد، طی هفته های گذشته مصاحبه های زیر را داشت:

۳۱ ژانویه دو مصاحبه با محمد رضا پویا کادر حزب کمونیست کارگری و سخنگوی همبستگی - فداسیون سراسری پنهانندگان ایرانی-هلند. درباره "آمن" اعلام کردن ایران از جانب دولت هلند و دیپورت پنهانندگان ایرانی و سوسن بهار کادر حزب درباره حقوق کودکان در دنیای امروز و کارکودکان

۷ فوریه با نادر بککاش عضو کمیته مرکزی حزب درباره سفر کمال خرازی به فرانسه

۱۴ فوریه با ایرج فرزاد عضو کمیته مرکزی حزب و کمیته کردستان همبستگی فداسیون سراسری پنهانندگان ایرانی آلمان راجع به تحسین و تظاهرات پنهانندگان ایرانی در آلمان

سوسن بهار مصاحبه با رادیو صدای آشنا در شهر بروس سوئد، درباره حقوق کودکان در خانواده،

حسن وارث عضو حزب کمونیست

کارگری ایران و دبیر فداسیون پنهانندگان ایرانی در کانادا مصاحبه با رادیو Third World View در مدیسون آمریکا، درباره تحولات سیاسی ایران و سفر خاتمی به ایتالیا ۱۳ مارس،

سینار مسائل جنبش زنان در سلیمانیه (کردستان عراق)

مظفر محمدی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران و مشاور مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق، روز ۲۰ اسفند (۱۱ مارس) در سنیناری درباره مسائل جنبش زنان به دعوت "مرکز مشترک سازمانهای زنان در کردستان" مرکب از ۷ تشکل زنان شهر سلیمانیه کردستان عراق (همه تشکلهای زنان بجز اسلامیه)، در این شهر سخنرانی کرد. در این سینار و شخصیت دیگر هم شرکت داشتند. سخنرانی مظفر محمدی از تلویزیون اتحادیه مبنی نیز پخش گردید.

برگزار میشود:

موقعیت کنونی و آینده اسلام سیاسی در جهان

تور سخنرانی محسن ابراهیمی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران پیرامون موقعیت کنونی و آینده اسلام سیاسی در جهان در شهرهای کانادا در ماه اپریل توسط تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - کانادا برگزار خواهد شد.

تورنو: ۱۷ اپریل ساعت ۶ بعد از ظهر در محل: 10 King College Rd. Room #1101 (College & University)

کردستان ایران، اوضاع سیاسی و تحولات اخیر، سخنران: محمد فاتحی عضو کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، خانه حزب کمونیست کارگری، لندن ۶ بعدازظهر ۲۷ مارس ۹۹

آکسیونهای ۸ مارس

در تظاهرات و گردهم‌آنی‌های ۸ مارس در اروپا، آمریکا، کانادا و استرالیا،

رژیم اسلامی ایران بخاطر سرکوب شدید زنان محکوم گردید.

به منظور افشا، وضعیت زنان در ایران و جلب حمایت از مبارزات آنان علیه رژیم اسلامی، به فنلاند سفر کرد. در این سفر ۵ روزه او با تعداد زیادی از مسئولین سازمانهای زنان، فعالین جنبش زنان و همچنین خانم تاریا هالونن وزیر امور خارجه فنلاند دیدار کرد، با چند روزنامه و مجله مصاحبه هائی در مورد مبارزات زنان در ایران و جنبش زنان در کشورهای اسلام زده داشت و در چند سینار و اجتماع بمناسبت روز جهانی زن سخنرانی کرد: ۶ مارس سخنرانی در تظاهرات ۸ مارس ایرانیان در هلستکی در مقابل سفارت رژیم اسلامی ایران که بدعوت واحد فنلاند حزب، کمپین دفاع از حقوق زنان و فداسیون سراسری پنهانندگان انجام گرفت، همین روز دو نوبت سخنرانی در جشن حزب کمونیست فنلاند بمناسبت ۸ مارس، روز بعد سخنرانی در سینار سازمان زنان دمکرات فنلاند وابسته به حزب کمونیست فنلاند، ۸ مارس نشست و گفتگو با مسئولین و نمایندگان سازمان مدافع حقوق زنان و



به مندیت ۸ مارس سفر مینا احدی به فنلاند

مینا احدی سخنگوی سراسری کمپین بین‌المللی دفاع از حقوق زنان در ایران، همزمان با روز جهانی زن و

بنیاسبت ۸ مارس روز جهانی زن، به فراخوان تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران، همبستگی فداسیون بین‌المللی پنهانندگان ایرانی و کمپین بین‌المللی دفاع از حقوق زنان، تظاهرات و گردهم‌آنی‌هایی در دفاع از برابری زن و مرد و علیه زن ستیزی جمهوری اسلامی در مراکز شهرهای مختلف در تعدادی از کشورهای اروپا (بریتانیا، سوئد، آلمان، فنلاند، دانمارک)، آمریکا، کانادا و استرالیا

گرامیداشت ۸ مارس در کرمانشاه

زن را گرامی داشتند. شرکت کنندگان در این دو تجمع، ضمن صرف چای و شیرینی در مورد تاریخچه ۸ مارس و وضعیت کنونی زنان در ایران، بحث و گفتگو کردند.

بنا به خبری از کمیته کردستان حزب، روز ۱۷ اسفند (۸ مارس) در شهر کرمانشاه شماری از خانواده ها در چندین تجمع از جمله دو تجمع ۸۰ و ۱۵۰ نفره، روز جهانی یافت.

مسئول مرکز اتحادیه زنان فنلاند، ۹ مارس دیدار و گفتگو با تاریا هالونن وزیر خارجه فنلاند، تاریا کانتولا معاون وزیر و ماریالیزا کیلیونن مسئول سازمان زنان سوسیال دمکرات در مقر حزب سوسیال دمکرات فنلاند، این دیدار بعد از دو ساعت گفتگوی مثبت پایان یافت.

لیست کمک مالی به رادیو

- | آلمان | کانادا |
|-------------------------------|---------------------------------|
| ۱- ف فرجاد: ۳۰ مارک، | ۱- مرضیه ۵ دلار |
| ۲- الف فرجاد: ۹۰ مارک، | ۲- لیلی ۵ دلار |
| ۳- منیر ش: ۹۰ مارک، | ۳- م آبراهامیان ۵ دلار |
| ۴- ج خسروی و مریم ص: ۷۰ مارک، | ۴- امیرج ۵۰ دلار |
| ۵- ن نودینیان: ۱۰ مارک، | ۵- م کاظمی ۲۰ دلار |
| ۶- پروین م: ۱۰۰ مارک، | ۶- جمع آوری کمک مالی ۳۴۰ دلار |
| ۷- صالح گ: ۳۰ مارک، | |
| ۸- نارسا ۳۰ مارک، | |
| ۹- ناری ۳۰ مارک، | |
| ۱۰- طه حسینی ۳۰ مارک، | |
| ۱۱- ح گویلی ۳۰ مارک، | |
| ۱۲- ه گلداگر ۳۰ مارک، | |
| ۱۳- الف گلداگر ۳۰ مارک، | |
| ۱۴- م راستی ۹۰ مارک، | |
| ۱۵- ل داوود ۱۵۰ مارک، | |
| ۱۶- الف نوری ۳۰ مارک، | |
| | ۱۷- ع علوی ۲۰ مارک، |
| | ۱۸- ع محسنی و محبوبه، ۴۰ مارک |
| | ۱۹- نوید ۳۰ مارک، |
| | ۲۰- محمدامین ک ۵۰ مارک، |
| | ۲۱- شهناز خ ۳۰ مارک، |
| | ۲۲- هادی ۳۰ مارک، |
| | ۲۳- کاوه ف ۵۰ مارک |
| | ۲۴- هادی ۲۰ مارک |
| | ۲۵- علی ع ۲۰ مارک |
| | ۲۶- برلین توسط سیاش م ۱۰۰۰ مارک |
| | ۲۷- روزا ۲۰ مارک |
| | ۲۸- شهین ۲۰ مارک |
| | ۲۹- ح کارگر ۲۳ مارک |
| | ۳۰- مهبران ۱۰۰ مارک، |
| | ۳۱- حبیب ۵۰ مارک |
| | ۳۲- اسماعیلی ۵۰ مارک، |
| | ۳۳- محمد ک ۵۰ مارک |

محسن ابراهیمی

کلوس کینکل هم به نفوس خادمین اسلام اضافه شد!

آقای کلوس کینکل قبلاً خدمات زیادی به جمهوری اسلامی کرده است. اگر خدمت اخیرش را هم که باید اداره آمار خامنه ای یک شش‌نامه صد در صد اسلامی برایش صادر کند و رسماً او را نه تنها در خیل خادمین اسلام بلکه جزو نفوس اسلامی محسوب کند. مخصوصاً اینکه این آقا زمانی به داد جمهوری اسلامی رسیده که ناسازگاری مردم با رژیم آتقدر گسترده است که حتی خود سران رژیم هم دیگر خجالت میکشند از چیزی به نام "امت همیشه در صحنه" یاد کنند. منظوری نیست که در اوج تنهایی، امثال آقای کینکل میتوانند قوت قلبی به رژیم اسلامی بدهند. معلوم میشود جریانات اسلامی فقط نفوس از دست نمیدهند بلکه گاهی هم به نفوسشان افزوده میشود. هر تازه وارد این صف در حال شکستن هم اول باید یک جوری نشان دهد که یک چیزش میشود و با سلامت آدمیزاد مشکل دارد. مثلاً، چندی پیش درست زمانی بارقه های اسلام بر قلب آقای روزه گارودی فیلسوف فرانسوی تابید که روز روشن راه افتاد و یک حقیقت تاریخی، یعنی نسل کشی یهودیان توسط نازیها را انکار کرد. و در

آمریکا، مایک تاپسون بکس باز مشهور، به دختری جوان تجاوز کرد، گوش حریف خود را با دندان کند و جف کرد، بعد عریضی اسلامی بر سر گذاشت و جامه اسلامی بر تن کرد و در کنار آخوند محل در تلویزیون ظاهر شد. آقای کینکل البته نه بکس باز است و نه گوش کسی را با دندانهای خودش کنده است. اما ایشان به عنوان وزیر خارجه هلموت کهل در آلمان روابط بسیار حسنه با یکی از جانی ترین و منفورترین رژیمهای تاریخ و جهان یعنی جمهوری اسلامی داشته است. پیشگام گفتگوی انتقادی با این رژیم بوده و حتی وقتی دادگاه آلمان حکم داده سران رژیم ایران مسئول مستقیم ترور مخالفین هستند ایشان قرض قرضم زیز پای فلاحیان وزیر اطلاعات و یکی از متهمین اصلی پهن کرده است. آقای کینکل دیگر وزیر خارجه نیست. اما قلمش که نشکسته.

اطلاعیه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد استرداد عبدالله اوچلان به دولت ترکیه

صبح امروز عبدالله اوچلان رهبر پ ک ک طی اقدامی وطنه گرانه و تکان دهنده از سفارت یونان در کنیا به ترکیه انتقال داده شد. عدم پذیرش عبدالله اوچلان بعنوان پناهنده سیاسی در کشورهای اروپایی و سرانجام استرداد او به دولت ترکیه که با پ ک ک در حال جنگ است، ناشی از تئوری دولتهای اروپا و آمریکا، نقض آشکار حقوق بشر توسط این دولتها و شرکت مستقیم آنها به نفع ترکیه در این جنگ محسوب میشود. حزب کمونیست کارگری ایران این اقدام را قویاً محکوم میکند. از نظر حقوقی این یک نمونه زنده آدم دزدی و تروریسم دولتی است و باید از جانب هر انسان آزادیخواهی محکوم گردد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ فوریه ۹۹ ۲۷ بهمن ۱۳۷۷



اطلاعیه

در مورد دستگیری عبدالله اوچلان

دستگیری عبدالله اوچلان رهبر پ ک ک در ایتالیا و کشمکشهای جاری بر سر استرداد و عدم استرداد او به ترکیه فضای بسیار متشنج و تحریک شده ای را در ترکیه و اروپای غربی بوجود آورده است. حزب کمونیست کارگری ایران کوچکترین تردیدی در مورد ماهیت ناسیونالیستی و سرکوبگرانه پ ک ک ندارد و این سازمان را به جنبش مردم کردستان برای رهایی از ستم ملی و کسب برابری متعلق نمیداند. با اینحال حزب کمونیست کارگری ایران قویاً هرنوع توطئه برای استرداد عبدالله اوچلان به ترکیه و هر نوع اقدام دولتهای غربی برای ترتیب دادن "محاکمه" برای او را محکوم میکند. عبدالله اوچلان یک نمونه از طیف وسیع سیاستمداران مترجع و رهبران مستبد و خود گمارده در کل منطقه است. همتایان اوچلان، با پرونده هایی به مراتب سنگین تر از او در ایران و عراق و ترکیه و پاکستان و کل کشورهای ریز و درشت خاورمیانه مصدر کارند و بعنوان مقامات دولتی طرف حساب و قرارداد و بند و بست با دول غربی اند. دیر نیست روزی که همه اینها، از جمله اوچلان در محکمه مردم آزاد شده منطقه مورد قضاوت قرار بگیرند، اما استرداد اوچلان و یا دستگیری و محاکمه او توسط دول غربی سرسوزنی به مساله حقیقت و عدالت و حقوق مردم کردستان و ترکیه ربط ندارد. این صرفاً یک اقدام همدستی آشکار سیاسی با دولت ترکیه در محاصره اش با پ ک ک است و باید توسط هر انسان آزادیخواه که برای رهایی مردم کردستان و ترکیه از چنگال ارتجاع و ناسیونالیسم و شوینیسم مبارزه میکند، با قاطعیت تقبیح شود.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ نوامبر ۹۸

صدای کمونیسم کارگری

www.kvwpiran.org

http://www.wpiran.org

با مراجعه به صفحه حزب در اینترنت میتوانید آخرین اطلاعیه های حزب و جدیدترین شماره های نشریات را ملاحظه کنید. برای خواندن و پرینت کردن اطلاعیه های حزبی به خط و یا برنامه ویژه ای نیاز نیست. برای خواندن و پرینت نشریات به برنامه آکروبات ریدر احتیاج است، این برنامه مجانی است که میتوانید از طریق صفحه حزب در اینترنت هم آترا تهیه کنید.

تلفنهای تماس:

- اصغر کریمی، دفتر سیاسی: ۰۹۶۶۲۷۹۷۹۴ (۴۴)
- علی جوادی، روابط عمومی: ۰۹۲۲۸-۴۴۵-۳۱۰ (۱)
- رحمان حسین زاده، تشکیلات کردستان: ۰۹۶۵۱۲۸۰-۰۷۰ (۴۶)
- آزاد نسیم، تشکیلات خارج: ۰۵۸۸۵۸۳۶-۰۷۰ (۴۶)

اگر دری نجف آبادی را نمیتواند به آلمان دعوت کند حداقل میتواند چیزی بنویسد که اشک شوق رسانه های رژیم را در بیابود. روزنامه "جمهوری اسلامی" با شغف فراوان از مقاله مفصل آقای کینکل در فرانکفورتر آلتگماینه یاد کرده و این نکات توجهش را جلب کرده است: وزیر خارجه سابق آلمان مینویسد بسیاری از اروپاییها دچار اشتباه هگل در باره پایان یافتن نقش تاریخی اسلام هستند در حالیکه روز بروز نفوذ اسلام بیشتر میشود و حضور اجتماعی اش در جوامع بشری افزایش مییابد. علاوه بر آن، اسلام پاسخ روشنی به مسائل داده، از سیستم فکری و عملی منسجمی برخوردار است و قادر است در دنیای پر از تحولات بنیادی به مسلمین هویت و ثبات بخشد. و بالاخره آقای کینکل از مغرب زمینیان خواسته این دین بزرگ را که در آن موضوعاتی از قبیل جدایی دین از دولت صادق نیست بدقت مطالعه کنند و دیدگاههای خود را در باره اسلام تغییر دهند. خیر! لازم نیست "مغرب زمینیان این دین بزرگ را بدقت مطالعه کنند" تا به کینه ترحم آقای کینکل پی ببرند. کافی است پرده سنگین ژورنالیستی که به نحوی سازمانیافته حقایق زندگی مردم زیر سلطه جمهوری اسلامی را پنهان میکند کنار برود، آنگاه مردم غرب حتی بدون "مطالعه دقیق اسلام" به چشم خود خواهند دید که نه تنها نفوذ اسلام بیشتر نشده بلکه تنفر از اسلام در هر سلول این جوامع موج میزند. خواهند دید که این دین، مخصوصاً وقتیکه به عنوان دین سیاسی ظاهر میشود با هر جلوه ای از هویت انسانی سر خصومت دارد و هزاران انسان که بر هویت انسانی شان پافشاری کرده اند یا بدست حاکمان دین هویت بخش آقای کینکل نابود شده اند و یا برای زنده ماندن به کشورهای دیگر پناه برده اند. خواهند دید که شرط پیوستن به فرقه های اسلامی تهی شدن از هر گونه شاخص انسانی و تبدیل شدن به موجوداتی ابله، خونریز و آدمکش است. خواهند دید که هر چه اسلام و حکومتش برقرار است انسان و حرمت انسانی جایی ندارد.

دیدار و گفت و شنود با رهبران حزب کمونیست کارگری

اصغر کریمی
عضو دفتر سیاسی و دبیر اجرایی حزب
کوروش مدرسی
عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته داخل حزب

به سوالات حاضرین در زمینه های مختلف پاسخ میدهند.

از همه علاقمندان دعوت میکنیم
برای دیدار و گفتگو با رهبران حزب کمونیست کارگری ایران
در این برنامه شرکت نمایند.

آلمان، کلن، شنبه ۱۰ آوریل ساعت ۴ بعد از ظهر
Colonia Hochhaus, An der Schanz 2
Bahn 15, 16 Haltestelle Bolternstern Str.
لطفاً از آوردن کودک به جلسه خودداری کنید.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد آلمان

ساعات و طول موج جدید رادیو انترناسیونال

دوشنبه، سه‌شنبه، چهارشنبه، ۵ شنبه و جمعه هر هفته
۵/۵ تا ۶ بعد از ظهر بوقت تهران
۱۹ متر، ۱۵/۶۸۵ مگاهرتز

باتوجه به اینکه برنامه‌های آزمایشی قبلی رادیو انترناسیونال در حد قابل قبولی بطور مستمر در ایران شنیده نشدند، سری جدید برنامه‌های آزمایشی ما دوشنبه تا جمعه (یعنی هر روز هفته بجز شنبه و یکشنبه) ساعت ۵/۵ تا ۶ بعد از ظهر بوقت تهران روی طول موج کوتاه ۱۹ متر، برابر با ۱۵/۶۸۵ مگاهرتز، پخش خواهد شد.
این برنامه‌ها علاوه بر ایران در اروپا و آمریکا نیز شنیده میشوند. ساعات پخش ۳ تا ۳/۵ بعد از ظهر بوقت اروپای مرکزی، ۲ تا ۲/۵ بعد از ظهر بوقت لندن و ۹ تا ۹/۵ صبح بوقت شرق آمریکا خواهد بود.

نشریه انترناسیونال رایگان است

نشریه انترناسیونال رایگان در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد. هزینه آبومان تنها معادل هزینه پست نشریه است. بهای نشریه در کیوسکها و مراکز حرفه‌ای توزیع نیز تنها معادل هزینه توزیع و حواله فرستنده است.
انترناسیونال با کمکهای مالی خوانندگان و دستدارانش تامین می‌شود
هزینه انتشار نشریه انترناسیونال کم نیست، کمکهای مالی خوانندگان و علاقمندان نشریه به انتشار و توزیع هر چه گسترده‌تر آن کمک می‌کند.

فرم آبومان

NAME:
ADDRESS:
POSTCODE:
CITY:
COUNTRY:
ماایلیم نشریه انترناسیونال را از شماره تا از هر شماره عدد مشترک شوم.

آبومان نشریه ساده است
برای آبونه شدن نشریه کافیست فرم پر شده زیر و معادل هزینه پست نشریه را به یکی از آدرسهای نشریه پست کنید.

آدرسهای تماس و حسابهای بانکی حزب کمونیست کارگری ایران

K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden	Postfach 103137 50471 Köln Germany	BM Box 8927 London WC1N 3XX England	W.P.I Box 719stn.P Toronto, ONT. M5S 2Y4 Canada
Postgiro: 4492709-3 K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden	Z.I.KONTO: 17116703 BLZ: 10090000 Berliner Volksbank Germany	Account No:6722-5007687 Royal Bank of Canada 10 Eglinton Ave. E Toronto, Ont M4P 2W7 Canada	

E.Mail:wp@iran1.freerserve.co.uk
Fax: (1) 416 515 67 22